

تحلیل تطبیقی عناصر خیر و شر در دو نگاره ابراهیم (ع) و سیاوش در آتش از استاد فرشچیان (با تأکید بر فرم و محتوا)^۱

پریسا شاد قزوینی^۲
کبری براتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۰۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۶

چکیده

خیر و شر، معنایی دو سویه از رسیدن به کمال تا انحطاط انسانی را در بردارد. انسان هرچه را که مایه سوق او به سوی خدا شود خیر، و آنچه را که باعث دوری او از ذات ربوبی شود، شر می‌داند. مبحث خیر و شر، گسترده‌تری زیادی در علوم انسانی و دینی دارد. ولی در حیطه هنر، از حیث بررسی ارتباط فرم و معنا و حجم مطالعات، کم‌تر به این موضوع پرداخته شده است. در اکثر پژوهش‌ها، مضمون خیر و شر به صورت تحلیلی و یا توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که، در مقاله پیش رو هدف، تطبیق مفهوم خیر و شر در دو نگاره با محتوایی مشابه از نگاه یک هنرمند (استاد فرشچیان) می‌باشد. این مقایسه برای اثبات این فرضیه است که، حتی مضامین مشابه نزد یک هنرمند نیز نمی‌تواند، عاملی باشد برای خلق آثار با اشارات و استعاره‌های تصویری یکسان؛ و این، نشان از پویایی و شکوفایی ذهن و قلم هنرمندان در طول زمان دارد. این مقاله، با تحلیل تطبیقی عناصر خیر و شر در دو نگاره ابراهیم (ع) و سیاوش در آتش، که هر دو اثر از استاد فرشچیان است، به بررسی محتوای خیرها و شرهای موجود در این داستان‌ها و نشان دادن زوایای تعالی بخش هر یک می‌پردازد. روش به‌کار رفته در این پژوهش، کیفی و به واسطه تشابه موضوعی بین این دو نگاره، به وجه تطبیقی انجام شده و جمع‌آوری مطالب نیز بر اساس مستندات کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: خیر و شر، حضرت ابراهیم، سیاوش، نگارگری، فرشچیان

مقدمه

پیکار میان اعداد در طول تاریخ بشری همیشه راهی برای رسیدن به کمال بوده و این، از سنت‌های الهی است. ستیز همیشگی خیر و شر، اگرچه به ظاهر، از بین برنده آرامش و راحتی، رنج آور و نامطبوع است، اما در باطن، برای نیروهای خیر، تعالی‌بخش بوده و انهدام و نیستی نیروهای شر را موجب می‌شود. می‌دانیم که خیر، سراسر، وجود است و باقی، و شر، عدم محض و محکوم به فناست. پایان اکثر قصه‌ها، پیروزی خیر و نابودی شر را به دنبال دارد. در بین تمامی داستان‌های تاریخ بشر، از قصص انبیاء گرفته تا افسانه‌های ملل، جدال مداوم میان خیر و شر به صورت‌های مختلف قابل مشاهده است. در همه کتب آسمانی از جمله قرآن کریم، داستان‌های گوناگونی از تقابل این دو نیرو آمده که در این بین، سرگذشت حضرت ابراهیم(ع) یکی از پرشورترین آن‌هاست. فراز و نشیب‌های این داستان، هم معرفت‌زا است و هم پندآموز. در میان قصه‌های ادبی ایران نیز، شاهنامه فردوسی دارای قصه پردازی‌های پر هیجانی از تقابل خیر و شر است. این قصص، خود تحت تأثیر داستان‌ها و اسطوره‌های کهن ایرانی، متون مقدس و قرآن کریم شکل گرفته‌اند. یکی از هیجان‌انگیزترین این داستان‌ها، داستان گذر سیاوش از آتش برای اثبات بی‌گناهی خویش است. شباهت سرگذشت سیاوش با داستان سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم(ع)، در آسیب ندیدن قهرمانان آن، از فتنه آتش است. هر دو شخصیت مورد نظر، در مواجهه با آتش، به کمال هویت فردی و شخصی خود دست می‌یابند. در پژوهش حاضر، به مطالعه مفاهیم خیر و شر برخاسته از اخلاقیات در دو ماجرای سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم(ع) و گذر سیاوش از آتش می‌پردازیم؛ سپس بازتاب تصویری این مفاهیم را در دو نگاره ابراهیم‌نبی(ع) و نگاره گذر سیاوش از آتش کیکاووسی استاد فرشچیان، مورد بررسی قرار می‌دهیم. جذابیت موضوعات ادبی و نگارگری ایرانی، مستتر در مفهوم خیر و شر است. این خیر و شر، نزد هنرمندان ایرانی از مفاهیم و تعالیم قرآن کریم ملهم و از باورهای اسلامی سرچشمه گرفته است. هنرمندان از این تضاد برای رشد و جریان سازی آثار هنری خود بهره گرفته‌اند. استاد فرشچیان نیز که از نگارگران معاصر ایران است، بر اساس این باور، نگاره‌های ارزشمند خود را آفریده است که دو نگاره مورد بحث نیز دارای همین شاخصه‌های معنوی هستند.

پیشینه پژوهش

خیر و شر، موضوعی است که، بیش‌تر در حیطه علوم انسانی و فلسفه مطرح شده است؛ اما با توجه به جذابیتی که این مقوله داشته، توسط پژوهشگران دیگر رشته‌ها نیز مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. با نگاهی دقیق، در می‌یابیم که، درونمایه بسیاری از آثار هنری جهان، مفهوم رویارویی و جدال دو نیروی خیر و شر در اشکال گوناگون می‌باشد؛ گزاف نیست، اگر بگوییم اصلی‌ترین و مهم‌ترین رمز موفقیت و جذابیت این آثار، چگونگی و نوع به تصویر کشیدن این جدال است.

در اینجا، با صرف‌نظر از پژوهش‌های انجام شده در دیگر زمینه‌ها، تنها به مرور عناوین تعدادی از مطالعات دانشگاهی در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی رشته‌های هنری با محوریت خیر و شر می‌پردازیم.

«مظاهر خیر و شر در نگارگری عهد تیموریان و صفویان» نوشته هلنا شین دشتگل(۱۳۸۱)، در این پایان‌نامه، به بررسی مظاهر خیر و شر در مذاهب و باورهای ایران باستان، شاهنامه، فرهنگ و روایات اسلامی و نهایتاً در نسخه‌های خطی و مصورعه عهد تیموریان و صفویان پرداخته شده است. در پایان‌نامه «تقابل خیر و شر در نگارگری قرن ۸ هجری قمری»، شیوا ولیان(۱۳۸۸) به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های ریخت‌شناسانه موجودات اساطیری خیر و شر در نگاره‌های تصویری مکاتب نگارگری قرن هشتم هجری می‌پردازد. ترانه لک(۱۳۸۸) با رساله «بررسی ابعاد ارتباط تصویری در مضمون خیر و شر هنر نگارگری (دوره تیموری)»، در پنج فصل به مرور مفاهیم خیر و شر در شاهنامه، ایران باستان، اسلام، خیر و شر در دوران تیموریان و سرانجام به بررسی ابعاد تصویری نگاره‌های مرتبط می‌پردازد. «بررسی عناصر خیر و شر در نگارگری سنتی ایران (مطالعه موردی نسخ شاهنامه)» پایان‌نامه محی‌الدین آیین(۱۳۸۹)، در تحلیل محتوایی نگاره‌های شاخص مرتبط با مضامین خیر و شر در نسخ شاهنامه به جهت دست‌یابی به رموز معنوی آن نوشته شده است. پایان‌نامه «ریشه‌یابی باور تقابل خیر و شر در ایران باستان و تجلی آن در آثار هنری پیش از اسلام (با تکیه بر نقش‌برجسته‌ها)» نوشته اسما پردل(۱۳۸۷)، بررسی آثار هنری ایران پیش از اسلام را نشان می‌دهد؛ در ایران باستان، مسئولیت این نبرد دایمی خیر و شر به گونه‌ای نمادین به شاه واگذار می‌شود؛ بنابراین، این آثار در طیف گسترده‌ای نشان‌دهنده مبارزه دایمی شاه با موجودات

اهریمنی است که در دوره‌های گوناگون با تفاسیر خاص همان دوران از همین باور اولیه، تجلی می‌یابد. در این تحقیق، به بررسی نقش این باور در نقش برجسته‌های هنری قبل از اسلام پرداخته شده است. در پایان نامه «ریشه یابی مظاهر خیر و شر و تجلی آن در نقوش تزئینی مکتب تبریز (با تأکید بر نگارگری شاهنامه تهماسبی)» نوشته نسیم یزدان خواه (۱۳۹۱)، سعی شده تا با تعمق در مظاهر خیر و شر در اساطیر ایرانی، تجلیات آن در تصویرگری ایرانی مورد بررسی قرار گیرد. در پایان‌نامه «بررسی نقش دیو و فرشته به عنوان نمادهای تصویری خیر و شر در اساطیر ایران (از دوره باستان تا پایان قاجار)» نوشته آزاده ذکریایی (۱۳۸۵)، به بررسی بارزترین نمادهای خیر و شر یعنی دیو و فرشته از دوران باستانی تا پایان قاجار پرداخته شده است. «مضمون خیر و شر در مفرغ‌های لرستان با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی» نوشته هادی غلامی نور آباد (۱۳۹۳)، پایان‌نامه دیگری که در ارتباط با مضامین خیر و شر نوشته شده است. علی جمشیدی فر (۱۳۸۲) در رساله «رویکردهای چندگانه تصویری برای یک داستان مذهبی (یوسف و زلیخا)» با رویکرد نشانه‌شناسی فرهنگی، به بررسی مفرغ‌های لرستان، به عنوان بخش مهمی از گنجینه تاریخ هنر ایران باستان، محل کشف، طبقه‌بندی و ساخت مفرغ‌ها می‌پردازد و فرهنگ و اندیشه‌های را شناسایی می‌کند که، سبب تبدیل این آثار به اشکال انتزاعی منحصر به فرد می‌شوند. در اکثر این پژوهش‌ها، بیان مضمون خیر و شر به صورت تحلیلی و توصیفی مورد بررسی قرار گرفته است. حال آن‌که در مقاله پیش رو، هدف تطبیق مضامین خیر و شر در دو نگاره با محتوایی مشابه از نگاه یک هنرمند (استاد فرشچیان) است.

روش انجام پژوهش

در این مقاله، که بر اساس متون معتبر و منابع کتابخانه‌ای انجام شده، ابتدا مفهوم خیر و شر از دیدگاه قرآن کریم بررسی می‌شود؛ سپس این معنا، در ماجرای سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم(ع)، با داستان گذر سیاوش از آتش در شاهنامه، مورد مقایسه قرار می‌گیرد. در آخر نیز، به تحلیل تطبیقی عناصر بصری خیر و شر در دو اثر از استاد محمود فرشچیان پرداخته می‌شود. هدف این پژوهش، کشف بازتاب معانی اخلاقی خیر و شر در قالب عناصر تصویری می‌باشد. بنابراین، نیاز است به بررسی فرم‌ها و نقوش به کار رفته در این نگاره‌ها و تحلیل معانی نمادین آن‌ها

پرداخته شود. پس از پرداختن به این پرسش‌ها که، تعریف خیر و شر از منظر قرآن چیست؟ جدال بین خیر و شر چگونه منتج به کمال انسان می‌گردد؟ جایگاه خیر و شر در ادبیات داستانی ایران به چه شکلی است؟ به پاسخ این دو سوال اساسی می‌رسیم که، تضاد خیر و شر در نگارگری سنتی ایران چگونه به ظهور رسیده؟ و اشتراکات معناگرا و تشابهات مفاهیم خیر و شر در داستان حضرت ابراهیم(ع) و سیاوش در کجاست؟ و در نهایت، آیا تشابه موضوعی می‌تواند منجر به خلق فضاهای یکسان در اثر هنری شود یا خیر؟

مفهوم خیر و شر در قرآن

از منظر قرآن، هر فعلی که برای به‌دست آوردن رضا و رضوان الهی باشد، خیر و در جهت سعادت انسان است. هرکس با هر گرایش اعتقادی و چارچوب فکری و مذهبی و به طور فطری، زیبایی «خیر» و زشتی «شر» را تشخیص می‌دهد.^۱ امام صادق(ع) در تفسیر آیه ۱۰ سوره بلد «وَهْدِيَنَهُ التَّجْدِينَ... او را به دو راه هدایت کردیم»، این دو راه را به خیر و شر تعبیر می‌کند و می‌فرماید: تَجِدَ الْخَيْرَ وَالشَّرَّ. این هدایت در آیه ۷ و ۸ سوره شمس به الهام تعبیر شده است: سوگند به آنکه نفس را آفرید و فجور و تقوایش را به او الهام کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲: ۱۳). بشر ذاتاً قادر به تشخیص خوب از بد می‌باشد و این موهبتی از جانب خداوند است. در صورت سلب این توانایی از او، با حیوانات هم‌ردیف شده و شایسته نام انسان نخواهد بود.

انسان در قرآن، دارای دو وجهه ملکی و ملکوتی است که افزون بر داشتن طبیعت جمادی، نباتی و حیوانی دارای نیروی ادراک، شعور و اختیار نیز می‌باشد. همین ویژگی‌هاست که او را خلیفه و مظهر صفات خدا در روی زمین و نگارنده سرنوشت خویش معرفی می‌کند (سعیدی روشن، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

مولوی نیز قوه تشخیص و انتخاب را در انسان به این صورت در قالب کلمات به نظم در آورده است.

قهر و لطفی جفت شد با یکدگر

زاد از این هر دو جهان خیر و شر

گر غذای نفس جوید ابتر است

و غذای روح خواهد سرور است

(مولوی، ۱۳۸۷: ۲۷۳)

یکی از راه‌های هدایت بشر به سوی خیر، که در جای جای قرآن به شکل‌های گوناگون از آن سخن رفته،

معجزات پیامبران است. سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم(ع) هم، یکی از این معجزات می‌باشد. پیام این اعجاز، توحید و یکتاپرستی است که ابراهیم(ع)، بارها قومی را به آن دعوت کرده بود. خداوند با فرستادن انبیاء و پیامبران و نیروی تعقلی که در نهاد بشر قرار داده است، او را به مسیری هدایت می‌کند که، بتواند به کمال شایسته خویش دست یابد.

هر انسانی بالقوه، انسان کامل است ولی بالفعل، تنها پیغمبران و اولیاء را می‌توان به این نام خواند و از آنان به عنوان مثال‌ها و نمونه‌های حیات معنوی و راهنمایی در طریق رسیدن به کمال پیروی کرد (نصر، ۱۳۸۶: ۱۳۲-۱۳۳). داستان و ذکر وقایع اقوام، اسطوره‌ها و شخصیت‌های بزرگ، قابلیت فهم عمومی را دارد. آنچه موجب این درک می‌شود، نزدیکی مضمون و محتوای این داستان‌ها با سرشت و نهاد حقیقت‌گرای بشر است. در قرآن کریم، حضرت ابراهیم(ع) از هر نظر اسوه و نمونه یک انسان کامل معرفی شده است. مقام معرفت او نسبت به خدا، منطق‌گویی او در برابر بت پرستان، مبارزات سرسختانه و خستگی ناپذیرش در مقابل جباران، ایثار و گذشت در برابر فرمان پروردگار، استقامت بی‌نظیرش در برابر طوفان حوادث آزمایش‌های سخت، هر یک سرمشقی است برای رهجویان حق.

داستان به آتش افکندن حضرت ابراهیم (ع)

ابراهیم(ع)، از پیامبران بزرگ الهی است که رویارویی خیر و شر، به شکل‌های مختلف در سرتاسر حیات نورانی ایشان قابل مشاهده است.

ابراهیم(ع)، دو هزارسال ق.م. در قریه «اور» از توابع کلد، در مشرق بابل به دنیا آمد. پدرش آزر^۲ نام داشت. کارش بت‌تراشی و بتخانه در دست او بود و نزد نمرود^۳ فردی مقرب به شمار می‌آمد (نیشابوری، ۱۳۹۱: ۶۰). در اخبار آمده که، وقتی ابراهیم(ع)، در گفتگویی که با نمرود داشت، اشاره به این کرد که، عذاب خدای من با آتش است. نمرود گفت: من نیز تو را به آتش عذاب کنم، تا ببینم که، چه کسی تو را یاری می‌کند؟ و ابراهیم را چهارماه در زندان کرده و در این مدت برای سوزاندن او هیزم جمع می‌کردند (همان: ۶۸). ابراهیم(ع)، هنگامی که آهنگ کرد، تا کاخ شرک سرنگون کند، خود را برای این آزمون دشوار، آماده ساخت. او با عشق به پروردگار و جلب رضایت الهی، در این راه گام برداشت و هیچ واهمه‌ای از سختی‌های این مسیر سنگلاخ نداشت. همین عزم

راسخ، پایه‌های فرمانروایی نمرود را دچار لرزش کرد، تا جایی که، قصد نابودی ابراهیم(ع) کرد. اما ایمان ابراهیم، باعث شد تا کوه آتش، برای وی به گلستانی پرشکوه بدل شود. او به لطف و یاری حق، اعتقاد داشت و همین، انگیزه کافی را برای رویارویی با هر ظلمی فراهم می‌کرد.

پس از سه روز که آتش همچنان زبانه می‌کشید، نمرود برای اطمینان از نابود شدن ابراهیم، خواست تا جایگاهی بلند بسازند که از فراز آن، بتواند نابودی و ذلت ابراهیم را ببیند و آسوده شود. هنگامی که، نمرود از آن جایگاه به میان شعله‌های آتش نگاه کرد، شگفت زده شد؛ ابراهیم را دید، بر تختی نشسته، کنار جویی پر از نرگس و ریاحین. فریاد زد که: ای ابراهیم، این‌ها را از کجا آورده‌ای؟ و این آتش تو را نسوزاند؟ و پاسخ شنید که: خدای تعالی مرا نگاه داشت و این همه، از فضل اوست. گویند، نمرود با شنیدن این سخنان و دیدن این صحنه متأثر گشت و خواست ایمان بی‌آورد؛ و خطاب به ابراهیم گفت: چنین خدایی که تو داری سزاوار است که خدمتش کنند. اما اطرافیان نمرود که، فکر کردند با این کار، موقعیت آنان به کلی از بین می‌رود؛ با وسوسه، او را از این کار منع کردند. به این ترتیب نمرود به همان مسیر کفر آمیز خود بازگشت. (همان: ۶۷). این فراز از داستان حضرت ابراهیم(ع)، که موضوع اصلی تحقیق حاضر می‌باشد، تداعی کننده ماجرای سیاوش، قهرمان شاهنامه است. زندگی این جوان پاک نیز در تقابل بین خیر و شرهای گوناگون شکل می‌گیرد.

خیر و شر در شاهنامه و زندگی سیاوش

مبحث اصلی شاهنامه پس از حمد و ثنای خداوند، نیک پروری و خیر اندیشی است. می‌توان گفت فردوسی، این حکیم فرزانه، نظریه پرداز عقل‌گرایی است. او ستایشگر خرد است و از نظر او، خرد، تبلور همه صفات پسندیده و فضایل آدمی است (پاپلی یزدی، ۱۳۸۶: ۱۰). خرد نگاهبان روان و راهنمای انسان است و نیک و بد بشر به آن بستگی دارد. خرد، گنجی نهفته در وجود بشر است که سامان دهنده امور اوست و انسان را در جاده پر پیچ و خم روزگار به مسیر درست هدایت می‌کند.

در دوران آمیختگی و نبرد نیکی و بدی نیز خرد، نیروی راهبر و راهنما و نگهدارنده است و پیروزی و جاودانگی از آن خردمندان است (راشد محصل، ۱۳۸۹: ۳۷). به طور کلی، جهان بینی شاهنامه، دفاع از خوبی

در برابر بدی است. پیشینه این جهان بینی به روزگاران پیش از اسلام و به دوران آمیختگی با اسطوره و نبرد اهورامزدا و اهریمن باز می‌گردد. سرگذشت سیاوش از زیباترین نمونه‌های رویارویی خیر و شر در شاهنامه است. اوج زیبایی این داستان، در گذر سیاوش از آتشی است که با فتنه سودابه^۴ برپا می‌شود. سیاوش از شخصیت‌های پاک و معصوم شاهنامه، فرزند کاووس^۵ است.

وقتی سیاوش به دنیا آمد، پدرش، توسط کاهنان با خبر شد که، این کودک را آینده‌ای پریشان خواهد بود. به این خاطر، رستم را فراخواند و سیاوش را بدو سپرد، تا پیرورد. سالیانی بعد، با برگشتن سیاوش نزد پدر، سودابه، نامادری وی، به او دل بست. ولی سیاوش عشق او را رد کرد. سودابه نیز از سر کینه به او تهمت خیانت زد (پاکباز، ۱۳۸۸: ۹۸). بعد از اتهام سودابه، موبدان برای شناسایی گناهکار آزمون گذر از آتش برای اثبات بی‌گناهی را پیشنهاد دادند. اما سیاوش، از آتشی که برای اثبات بی‌گناهی او مهیا شده بود، با سربلندی، بی‌گزند و پیروزمندانه بیرون آمد. جذابیتی که داستان و قصه برای انسان دارد، نویسندگان را بر آن داشته تا برای بیان حقایق و انتقال مفاهیم والای انسانی به مخاطبان، این قالب را انتخاب کنند. به همین دلیل بخش بزرگی از ادبیات جهان و آثار نویسندگان را، داستان‌های مختلف تشکیل داده است. نقاط اشتراکی که گاه در داستان‌ها دیده می‌شود، نشان از حقیقت واحد نهفته در دل آن‌ها دارد.

تشابهات داستان ابراهیم (ع) در قرآن و داستان سیاوش در شاهنامه

میان داستان گذر سیاوش از آتش و ماجرای سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم(ع)، شباهت‌های معنایی زیادی وجود دارد. شخصیت‌های دو داستان، دارای مجموعه‌ای از خصیصه‌های اخلاقی نیک و بد هستند که در آن‌ها، نمادهای خیر و شر را می‌توان یافت. دسته‌ای از خیرات ارزش‌های عمومی به شمار می‌آیند؛ مانند راستگویی، مهربانی، صداقت و امثال آن که در قرآن نیز بارها به آن اشاره شده است. «ارزش‌های قرآنی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها قابلیت اجرایی دارد. این نوع ارزش‌ها برای فطرت بشری است و به همین دلیل در همه جا موضوعیت دارد» (خطیبی، ۱۳۹۱: ۲۳۳).

تحلیل مفاهیم خیر و شر اخلاقی در داستان ابراهیم(ع) و سیاوش

سرگذشت حضرت ابراهیم(ع)، در قرآن، به زیبایی بیان شده است و پر از اتفاق‌های عجیب و پندآموز است. رویارویی ابراهیم(ع) با نمرود و ماجراهای آن، از هیجان‌انگیزترین و جذاب‌ترین بخش‌های زندگی ایشان است. آنچه موجب گیرایی هر چه بیش‌تر این داستان می‌گردد، رو در رو شدن دو جبهه خیر و شر است که پنجه در پنجه، به مبارزه می‌پردازند. به همین شکل، در داستان سیاوش می‌بینیم که، برابر هر صفت نیک اخلاقی، صفتی متضاد قد علم می‌کند. در واقع، تقابل بین این اضداد، موجب معنا بخشی به هر یک از آن‌هاست؛ مانند مقابله گذشت و کینه در داستان حضرت ابراهیم اینگونه نمود می‌یابد. نمرود وقتی باخبر شد که، ابراهیم (ع)، بانی شکستن بت‌ها بوده است، کینه‌ای در وجودش ایجاد شد و در صدد نابودی ابراهیم برآمد. اما واکنش ابراهیم نبی، در مقابل کینه و انتقام جویی نمرود، بردباری و گذشت بود. زیرا حضرت ابراهیم، پس از سرد شدن آتش بر او و آشکار شدن حقیقت، با گذشت از ظلم نمرود، سعی در هدایت او داشت. اینجاست که، رویارویی بین این دو صفت اخلاقی (کینه و گذشت) صورت می‌گیرد. در داستان گذر سیاوش از آتش، نیز رویارویی کینه و گذشت را به شکلی دیگر شاهدیم. سیاوش، با وجود ظلمی که از سوی سودابه و کیکاووس به او شد، از آن‌ها گذشت. اما سودابه، با کینه‌ای که از سیاوش به دل گرفت، در صدد انتقام‌جویی برآمد.^۶ در دیگر بخش‌های این دو داستان، بارها شاهد رویارویی صفات خیر و شر به صورت‌های مختلف هستیم (جدول شماره ۱).

تقابل اخلاقی خیر و شر دو داستان، که در جدول ۱، مشخص شده‌اند، مسیر داستان را به سمت نقطه اوج پیش می‌برند. زیباترین تجلی این رویارویی در داستان ابراهیم(ع)، تبدیل آتش به گلستان است، آتشی که، نمرود برای نابودی ابراهیم(ع) مهیا کرده بود. ابراهیم که مجموعه خصایل نیک و زیبایی‌های معنوی را در خود داشت، مقابل نمرود که نماد شر و پلیدی بود، قرار گرفت.

آتش در داستان ابراهیم نماد خیر و اشاره به آتش عشق الهی می‌باشد. همچنین در باور ایرانیان نیز آتش اغلب به معنی خیر بوده است. «ایرانیان آریایی آتش را موهبت ایزدی دانسته شعله آتش را یادآور فروغ رحمانی خوانده‌اند و آتشدان فروزان را در پرستشگاه به

منزله محراب قرار داده‌اند» (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۶۰). در داستان ابراهیم(ع)، بت و بت پرستی نقش مهم و کلیدی در روند بروز حوادث ایفا می‌کند. بت‌های ساخته شده به دست بشر که نمادی از جهل آنان بود. ابراهیم(ع) در واقع، تیر را بر ریشه نادانی و بی‌قدری پندار مردم زد. بت را به زمین انداخت، تا اندیشه و خرد انسان اوج گیرد. در سرگذشت سیاوش، بت به گونه‌ای دیگر مجسم می‌شود. در این ماجرا، سودابه برای کیکاووس در حکم بتی بود که او را می‌پرستید و همین بت، توسط سیاوش شکسته شد و فرو ریخت. آنجا که در برابر خواسته پلید سودابه ایستاد و تسلیم وی نشد (جدول ۲).

جدول ۱: تطبیق خیر و شرهای اخلاقی در داستان حضرت ابراهیم(ع) و سیاوش

خیر	شر	حضرت ابراهیم (ع)	سیاوش
ایمان	کفر	ایمان ابراهیم به خدا در مقابل کفر نمرود	در این داستان کفر به معنای مطلق وجود ندارد پس می‌توان این تقابل را بین ایمان و راستی سیاوش و نیرنگ و دروغ کاووس و سودابه دید
گذشت	کینه	گذشت ابراهیم از نمرود بعد از پرتاب شدن در آتش(برای اینکه او به خدا ایمان بیاورد)، در مقابل کینه نمرود از ابراهیم بعد از شکستن بت‌ها	گذشت سیاوش از تهمت سودابه در مقابل کینه سودابه از او
وفاداری	خیانت	وفاداری را در این داستان می‌توان اینطور تعبیر کرد که ابراهیم(ع) به عهدی که با خدا بسته بود، برای هدایت مردم عمل کرد.	ایمان راستین سیاوش به راستی در مقابل خیانت سودابه به همسرش کیکاووس
اراده	سستی اراده	اراده حضرت ابراهیم(ع)، در شکستن بت‌ها در مقابل سستی اراده نمرود (آنجا که با دیدن معجزه سرد شدن آتش، خواست به خدای یکتا ایمان بیاورد، ولی با وسوسه اطرافیانش منصرف شد).	اراده قوی سیاوش در گریز از گناه در مقابل سستی اراده کاووس در مقابله با سودابه

جدول ۲: مقایسه تطبیقی عنصر بت در دو داستان حضرت ابراهیم(ع) و داستان سیاوش

مقایسه تطبیقی	بت پرستی(شر)	بت شکنی(خیر)
در داستان ابراهیم(ع)	بت‌های سنگی بی‌جان	شکستن بت‌ها توسط ابراهیم(ع)
در داستان سیاوش	بت انسانی(سودابه) ساخته شده توسط جهل کیکاووس پرخواسته از هوای نفس او	شکستن بت نفس(نفس سرکش سودابه) توسط سیاوش

توحید، توکل، رضا، پاکی، ایمان، خرد، گذشت، زیبایی،

صداقت، وفاداری و اراده‌ای که در وجود حضرت ابراهیم(ع) و سیاوش متجلی شده، آن‌ها را به نمادهای خیر تبدیل کرده است. در مقابل، انعکاس ردایی نظیر شرک، بی‌اعتمادی، سرپیچی، ناپاکی، کفر، بی‌خردی، کینه، زشتی، دروغ‌گویی، خیانت و سستی اراده در نمرود و سودابه، از آن‌ها سمبل‌های شر ساخته است. در بین خیرهای اخلاقی، اراده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان گفت، محور اصلی دیگر صفات اخلاقی است. فارابی معتقد است: رسیدن به سعادت غایی یعنی تجرد از ماده با افعال ارادی ممکن است- که برخی فکری و بدنی است- اما نه با هر گونه فعلی؛ بلکه با افعال معینی که از ملکات دینی سرچشمه گرفته باشد (گنجی، ۱۳۸۶: ۱۳۹). در سیر داستان حضرت ابراهیم(ع) و سیاوش نیز اراده نقش تأثیر گذاری دارد (جدول شماره ۱).



تصویر ۱- ابراهیم نبی، محمود فرشچیان
منبع: کتاب نگار جاویدان

زیبایی و زشتی برخواسته از خیر و شر اخلاقی را در داستان سیاوش به صورت ملموس‌تری شاهدیم. سودابه که شیفته زیبایی ظاهری سیاوش شده بود، خواست تا او را تسلیم خود سازد. در اینجا زیبایی درون و نفس پاک سیاوش بود که او را از اسارت شیطان نفس نجات داد. اما در داستان ابراهیم(ع)، تجلی زیبایی و زشتی را گلستان و آرامش ابراهیم در تقابل با آتش و سوزاندگی خشم و کین نمرود می‌بینیم (جدول ۳). رویارویی نیک و بد، همواره دست‌مایه‌ای بوده است برای خلق نگاره‌های ارزشمندی

که، مفهوم خیر و شر را مد نظر داشته‌اند. دو نگاره «ابراهیم نبی» و «گذر سیاوش از آتش» نیز با تأثیر از همین مفاهیم خلق شده‌اند که در ادامه، به تحلیل آن می‌پردازیم.

جدول ۳: مقایسه تطبیقی زشتی و زیبایی در داستان ابراهیم(ع) و سیاوش

مقایسه تطبیقی	زیبایی(خیر)	زشتی(شر)
در داستان ابراهیم(ع)	تجسم زیبایی‌های معنوی به صورت گلستان	تجسم زشتی‌های شرک و خشم در قالب آتش نمرود
در داستان سیاوش	زیبایی ظاهری	هم سودابه و هم سیاوش از زیبایی ظاهری برخوردار بوده‌اند.
	زیبایی معنوی	تجلی زیبایی معنوی را تنها در وجود قهرمان خیر داستان یعنی سیاوش می‌بینیم که بر زیبایی ظاهری غلبه می‌کند.

تحلیلی بر نگاره‌های حضرت ابراهیم(ع) و سیاوش

هنر نگارگری ایران، برگ زرین و درخشانی از تاریخ شکوهمند فرهنگ و تمدن ایران در دوره اسلامی است. این هنر، به خوبی عمق فکری و نیروی خلاقه و ظرایف ادبی فرهنگ پارسی را در خود به ظهور رسانده است. استاد محمود فرشچیان یکی از نگارگران برجسته معاصر ایران و از نادر هنرمندانی که، به روایت تصویری از دو داستان - داستان سرد شدن آتش بر حضرت ابراهیم(ع) و گذر سیاوش از آتش- پرداخته است. از خصوصیات بارز آثار ایشان، تجسم رویارویی خیر و شر در صورت و محتواست. نوعی نگاه تضاد گونه در اکثر آثارش وجود دارد، که با استفاده از تباين‌های رنگ، فرم، خط، شکل و ترکیب بندی به آن می‌پردازد.

این هیاهوی برخاسته از تضاد خیر و شر به همراه تخیل قوی هنرمند منجر به خلق تصاویر بدیع شده است. تصویر ۱، با عنوان «ابراهیم نبی» یکی از آثار متأخر این هنرمند است که در آن، می‌خواهد به بیان هویت وارسته و پاک ابراهیم(ع) بپردازد. در این اثر، می‌توان از نوع کاربرد خطوط، تنوع رنگ‌ها، ترکیب-بندی، نقوش و... غلبه مفهوم خیر بر شر را دید. عناصر و نشانه‌های تصویری شر، توسط فضایی که در این اثر به وجود آمده، احاطه شده و گویی در حال

اضمحلال است. آتش، اولین عنصری است که در این نگاره به تحلیل آن پرداخته می‌شود. زیرا محور داستان، حول آن شکل گرفته است. در این دو داستان، می‌توان آتش را واسطه‌ای دانست، برای آشکار شدن حقیقت و فطرت پاک قهرمان؛ زیرا در هر دو داستان، آتش کوچک‌ترین گزندی به شخصیت‌های پاک طینت وارد نمی‌کند.

ابوسعید ابی‌الخیر می‌گوید: خداوند آتشی زنده در سینه بندگان خود نهاده، و آن آتشی است نورانی، و آتش مرده، آتش دوزخ است؛ هر که، به آتش زنده نسوزد، به آتش مرده می‌سوزندش. چه در این جهان و چه در آن جهان. همین انوار الهی در وجود ابراهیم باعث شد تا از آتش نمرود هراسی به دل راه ندهد و آن را صیقل جان خویش بداند (جوکار، ۱۳۹۰: ۱۲). یکی از فنونی که هنرمندان، برای انتقال محتویات ذهنی خود به خصوص مفاهیم غیر ملموس بر می‌گزینند، نمادپردازی است. آن‌ها بدین وسیله سعی در تأثیرگذاری بیش‌تر بر مخاطب و انعکاس بهتر مفاهیم مورد نظر خود دارند. اخلاقیات نیز از مواردی هستند که فقط با این روش قابل بیان هستند. نوری می‌گوید: بدان که خدا خانه‌ای در درون مؤمن آفریده- که قلب نامیده می‌شود- و نسیمی از کرمش برانگیخته، تا آن خانه را از شرک و شک و نفاق پاکیزه سازد؛ سپس ابری از فضلش فرستاده، تا بر آن خانه ببارد؛ و در آن، انواع گیاه از قبیل یقین و توکل و اخلاص و خوف و رجا و محبت برویاند. سپس در بالای آن خانه، تختی از توحید نهاده و بر آن تخت، فرشی از رضا گسترده و در پیش روی آن خانه، درخت معرفت نشانده که ریشه‌اش در قلب مؤمن و شاخه‌هایش در آسمان و زیر عرش است (ساجدی، ۱۳۸۵: ۳۷۹). بنابراین، هر یک از ارزش‌های والای اخلاقی و معنوی می‌تواند در قالب عینی و تصویری نمایان شود. نگارگران با استفاده از همین استعارات و کنایات، به آفرینش تصاویر خود می‌پردازند.

از جمله استعارات تصویری در نگاره یک (ابراهیم نبی)، تشابهی است که بین حالت دست‌های ابراهیم(ع) با بال‌های پرنده در قسمت پایین تصویر وجود دارد. این، شاید کنایه‌ای باشد به رهایی و آزادی حضرت ابراهیم(ع) از اسارت زر و زور و طاغوت. زیرا پرنده، نمادی از آزادی و رهایی است. بیش‌ترین خطوطی که در این نگاره دیده می‌شود، منحنی‌های لطیف و نرمی هستند که از لحاظ بصری، ایجادگر حس آرامش و روحانیت در بیننده هستند. حاکمیت

رنگ سفید تن پوش سیاوش، نمادی از پاکی و معصومیت اوست.

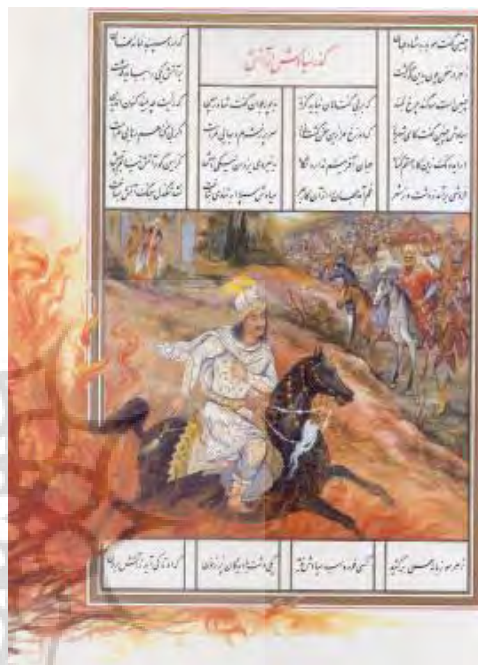
جدول شماره ۴: نشانه‌های شر در دو نگاره

نشانه‌های شر در نگاره ابراهیم نبی	نشانه‌های شر در نگاره سیاوش در آتش
	
	
ندارد	
	
	
	

تزیینات و زرق و برقی که روی لباس و کلاه او شاید نشان از طبقه اجتماعی او باشد. اما رنگ قرمز لباس کیکاووس با توجه به سیر داستان و معنای نمادین این رنگ، نشانه شر است. «رنگ قرمز از نظر سمبلیک مانند خونی است که به هنگام فتح و پیروزی ریخته می‌شود. آتشی را در روح آدمی شعله ور می‌کند و ادراک حسی آن به صورت میل و اشتها می‌باشد» (لوشر، ۱۳۸۸: ۸۴)

سودابه، شخصیت محوری و شر این داستان، روی خطی شیب‌دار به سمت پایین ایستاده که، این نشان از دلهره و تشویش او از رسوایی دارد. دست‌های سیاوش، یکی به سمت بالا و آسمان و دیگری به سمت پایین و آتش است، که این هم، می‌تواند نشانه‌ای از تقابل خیر و شر باشد. در ترکیب‌بندی خطی این اثر، سیاوش در

رنگ‌های گرم و درخشان در این نگاره، احساسی خوشایند به مخاطب القا می‌کند. شاید استفاده از این طیف رنگی گرم و ملایم، برای آن است که هنرمند خواسته حرارت عشق حضرت ابراهیم(ع) را به خداوند -که عشقی والا و مقدس است- نشان دهد. این اثر تداعی گر مفهوم غلبه خیر بر شر است و حسی سرخوش و دلپذیر از حرکت به سوی تعالی برای مخاطب دارد.



تصویر ۲. گذر سیاوش از آتش کیکاووسی، هنرمند: محمود فرشچیان منبع تصویر: کتاب نگار جاودان

تصویر ۲، نگاره دیگری که در ادامه، مورد بررسی قرار گرفته، «گذر سیاوش از آتش کیکاووسی» نام دارد. هنرمند در این اثر، سیاوش را با لباس سفید، سوار بر اسب شبرنگ، در حال گذر از آتش کینه و جور بدخواهان و بدطینتان نشان می‌دهد. هنرمند با بزرگ ترسیم کردن سیاوش و قرار دادن او در پلان اول، وی را به عنوان نماد خیر به تصویر کشیده است. در مقابل، با کوچک نشان دادن شخصیت‌های دیگر، چون کیکاووس، سودابه و لشگریان، به عنوان نمادهای شر، و نیز با روبه‌روی هم قرار دادن آن‌ها، بر زبونی ظلم و غلبه خیر بر شر اشاره کرده است. عناصر تصویری مختلف -که به صورت مشوش و نا آرام تصویر شده- اضطراب حاکم بر این صحنه را تداعی می‌کند. همه اشارات تصویری در این نگاره، به سمت آتش است؛ چرا که اوج داستان حول این عنصر شکل گرفته است.

داخل مثلثی قرار می‌گیرد، که رأس آن به سمت بالا است. اما کیکاووس، درون مثلثی با رأس رو به پایین جای دارد؛ همین اشاره‌ای ظریف از رویارویی خیر و شر است (تصویر ۳).



تصویر ۳. تحلیل نماد های تصویری خیر و شر. نگارنده

بیان تطبیقی عناصر تصویری خیر و شر دو اثر

تقابل تصویری عناصر خیر و شر، از صفات اخلاقی نیک و بد سرچشمه گرفته است. در هر کدام از این نگاره‌ها، این عناصر، به صورتی نشان داده شده است. اگرچه این دو اثر، در دو دوره زمانی متفاوت به دست هنرمند، خلق شده‌اند، ولی برخی از عناصر به کار رفته در این دو اثر، کاربرد معنایی مشترک دارند. عناصر تصویری چون گل، پرند، نور، فرشتگان، رنگ سفید و... نمادی از خیر هستند. عناصر و اشیائی نیز در این دو داستان وجود دارند که، مطلقاً نمی‌توان آن‌ها را خیر و یا شر نامید؛ با توجه به نقشی که، عناصر مذکور در سیر ماجرا ایفا می‌کنند، در یکی از این دو گروه، جای می‌گیرند. آتش از همین موارد است که دو مفهوم را در درون خود مستتر دارد. در ادبیات کهن ایران، آتش همواره ارزش آیینی داشته و عنصری مقدس محسوب می‌شده است. در نگاره «گذر سیاوش از آتش» نیز با توجه به اینکه آتش آسیبی به قهرمان نیک سیرت داستان یعنی سیاوش وارد نمی‌کند، می‌توان آن را عنصری خیر قلمداد کرد. آتش در نگاره «ابراهیم نبی»، تجسمی از عشق الهی این پیامبر به خداوند است و در این اثر، فضایی گرم، صمیمی، پر نور و

ملکوتی موج می‌زند که، نگاه مخاطب را به سوی بالا و ماورا می‌کشاند. در مجموع، علی‌رغم تشابه معنایی دو سرگذشت یاد شده، رویارویی نمادهای خیر و شر اخلاقی در این دو داستان، فضاهای متفاوتی خلق کرده که توسط هنرمند به زیبایی بیان شده است.

جدول ۵: شخصیت‌ها، عناصر و نشانه‌های خیر در دو نگاره

نگاره نگارنده		نگاره نگارنده	
نگاره ابراهیم نبی		نگاره گذر سیاوش از آتش کیکاووسی	
ابراهیم (ع) شخصیت خیر داستان		سیاوش قهرمان خیر داستان	
ابر لطیف و سبک		اسب سیاوش (وسيله نجات او)	
نور		جهت سر رو به بالا، اشاره به سربلندی سیاوش	
		رنگ سفید لباس، نشانه پاکی و معصومیت	
		آتش (اشاره به آتش مقدس نزد ابرائیان باستان)	

نتیجه‌گیری

خیر و شر از بدیهی‌ترین و درعین حال، پیچیده‌ترین مفاهیم در زندگی بشر است و شناخت آن، مستلزم تأمل و ژرف بینی عمیقی است. خداوند منشأ همه خیرات است؛ در نهایت، هر آنچه انسان را به این هدف نزدیک کند خیر، و هر چیزی که او را از این منشأ دور کند، شر محسوب می‌گردد. یکی از تعاریف قرآن در باب خیر و شر این است که، گاهی یک رویداد خیر در قالبی که به ظاهر شر است، انجام می‌پذیرد. همان طور که در دو داستان سرد شدن آتش بر ابراهیم (ع) و گذر

زیبایی است و زشتی‌ها در این میان، جایگاهی ندارند. هنرمند ایرانی، فضای کلی اثرش را به صورتی می‌آفریند که، حتی زشتی‌ها و پلیدی‌ها نیز در پرتو نور و روشنی، مجال خود نمایی پیدا نمی‌کنند. به همین علت است که، بیش‌تر نگاره‌های ایرانی، فضایی گرم و دلنشین دارند؛ به گونه‌ای که، آنچه مخاطب می‌بیند، تنها زیبایی و نور است.

پی‌نوشت

۱- اصل واژه خیر، گرایش و تمایل است و از این رو، خیر گفته شده که، همگان به آن گرایش دارند به خلاف شر. در معنای معروف نیز گفته‌اند که: ریشه این واژه بر پیایی بودن و پیوند دو چیز با یکدیگر دلالت می‌کند و معنایش آرامش و اطمینان است (محمدی ری شهری، ۱۳۸۷: ۱۳).

۲- در آیاتی که اسم آزر آمده، از او به «أب» تعبیر شده است. این کلمه در زبان عرب به غیر پدر، به جد و عمو و کسانی دیگر نیز اطلاق می‌شود (ترجمه تفسیر المیزان، کتابخانه اینترنتی سایت تبیان).

۳- نمرود، به عبری به معنی «سخت و نیرومند» است. نمرود یکی از پادشاهان جبار بابل است که، به شجاعت و قهرمانی معروف بوده و معاصر حضرت ابراهیم(ع) می‌زیسته است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲۲-۳۷).

۴- سودابه از شخصیت‌های منفی شاهنامه به شمار می‌آید. سودابه به سیاوش دل می‌بازد ثلی چون از او سرخورده می‌شود، بر وی تهمت ناپاکی می‌زند. (پاکباز، ۱۳۸۸: ۹۸۶)

۵- دومین پادشاه کیانی که ۱۶۰ سال بر تخت بود. او شاهی بی‌خرد و خود کلامه است. (پاکباز، ۱۳۸۸: ۹۹۴)

۶- نمادی‌ترین آتشی که در روند رخداد‌های شاهنامه به چشم می‌خورد، آتشی است که به عنوان «سوگند» برای سیاوش افروخته می‌شود. آنگونه که زرتشت نیز برای نشان دادن حقانیت و راستی پیام خویش از آن گذر کرد (واحد دوست، ۱۳۸۴: ۱۸۴).

منابع

✽قرآن مجید (۱۳۸۴). ترجمه آیت ا...مکارم شیرازی، تهران: اسوه.

آین، محی‌الدین (۱۳۸۹). *بررسی عناصر خیر و شر در نگارگری سنتی ایران (مطالعه موردی نسخه شاهنامه)*، دانشگاه تربیت مدرس.

اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۱). *دانشنامه مزدیسنا*، تهران: مرکز.

پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۶). *حمد، ثنا و ذکر خداوند در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی*، تهران: پاپلی.

سیاوش از آتش، واقع شد. اما در نهایت، پیروزی و رستگاری از آن خیر گردید. زندگی، مجموعه به هم بافته‌ای از تضادهاست، که همه مملوک پروردگاری مهربان و توانا با هدف هدایت انسان به سوی خیر و سعادت و کمال است. در ادبیات داستانی ایران-که بر اساس فطرت انسانی و آموزه‌های اصیل اسلامی شکل گرفته- و قصه‌ها، عرصه نبرد دو نیروی خیر و شر در قالب‌های مختلف است. نیکی‌ها و روشنی‌ها در هیاهوی نبرد با شر به ظهور می‌رسند. نیروی خیر در بیش‌تر این داستان‌ها، ارتباط مستقیم با مفاهیم انسانی و اخلاق دارد. همان‌طور که در مواجهه تطبیقی دو داستان ابراهیم(ع) و سیاوش، شاهد جدال مستقیم نیروی خیر و شر بودیم. از این مقایسه دریافتیم، آنچه که، این دو شخصیت را از شر دشمنان نجات داد، پاکی و تقدس، ایمان و توکل آن‌ها بود؛ همین باعث شد، علی‌رغم ظاهر امر، که همه وقایع بر ضد آن دو بود، نهایتاً سربلندی و افتخار و مانایی-که پیروزی حقیقی است- نصیب آن‌ها شود. در اینجا، پی می‌بریم که، صفات پاک انسانی در همه ادوار و نزد همه انسان‌ها از شرافت و خیر کثیر برخوردار بوده و هست؛ همین باعث می‌شود که، شخصیتی مثل سیاوش-که مربوط به تاریخ ادبی ایران است- با شخصیت بزرگی مثل حضرت ابراهیم(ع)-که پیامبر همه ادیان آسمانی است- مقایسه شود. این دو داستان، در دو نگاره ابراهیم نبی و گذر سیاوش از آتش استاد فرشچیان، نمودی بسیار زیبا، پر حرارت و معناگرا یافته است. این دو اثر، اگرچه با نمادهای متفاوتی به تصویر آمده‌اند، ولی حس مشترک پیروزی حق بر باطل را در خود دارند. عناصر خیر و شر این دو اثر، در قالب استعاره‌های تصویری قابل درکی منعکس شده‌اند. عناصر و نمادهای تصویری متفاوتی که، هنرمند برای هر یک از این دو اثر، به کار گرفته است، ناشی از دو نگاه مختلف به این داستان‌هاست. نگاره ابراهیم نبی با نگاهی ملکوتی و آسمانی، و نگاره گذر سیاوش از آتش با نگاهی زمینی و مادی، مجسم شده است. همچنین فضای حاکم در نگاره ابراهیم نبی-که از نظر تاریخ خلق اثر، متأخرتر از نگاره سیاوش در آتش است- نشان از پختگی ذهن و قلم هنرمند در طول زمان دارد. فضایی که در این اثر ایجاد شده، با آنچه در نگاره‌های کهن ایرانی در رابطه با تجسم خیر و شر دیده می‌شود، مطابقت بیش‌تری دارد. زیرا عناصر بصری در نگارگری ایرانی بسان کلماتی هستند که، فقط شرح یک قصه را آموخته‌اند و آن، قصه عشق و

پاکباز، رویین (۱۳۸۸). *دایره‌المعارف هنر*، تهران: فرهنگ معاصر.

پردل، اسما (۱۳۸۷). *ریشه یابی باور تقابل خیر و شر در ایران باستان و تجلی آن در آثار هنری پیش از اسلام (با تکیه بر نقش برجسته ها)*، دانشگاه تربیت مدرس.

جمشیدی فر، علی (۱۳۸۲). *رویکردهای چندگانه تصویری برای یک داستان مذهبی (یوسف و زلیخا)*، دانشگاه تهران.

جوکار، نجف (۱۳۹۰). شناختی تازه از مسعود بک بخارایی از دریچه اشعار و آثار او، *بوستان ادب*، دوره ۳، شماره ۴، ۲۱-۴۴.

واحد دوست، مهوش (۱۳۸۴). نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی ایران، *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، دوره ۲۲، شماره ۴۲، ۱۷۵-۱۸۶.

خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷). *دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی*، جلد دوم، تهران: دوستان و ناهید. خطیبی، اعظم (۱۳۹۱). *مفاهیم جامعه شناختی درینج سوره اول قرآن کریم*، همدان: بوعلی.

ذکریایی، آزاده (۱۳۸۵). *بررسی نقش دیو و فرشته به عنوان نمادهای تصویری خیر و شر در اساطیر ایران (از دوره باستان تا پایان قاجار)*، دانشگاه الزهراء(س).

لراشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۹). *شاهنامه: جلوه گاه روح ملی*، مشهد: آستان قدس رضوی.

رضایی نبرد، امیر (۱۳۹۷). *نگار جاویدان: زندگی و آثار استاد محمود فرشچیان*، تهران: فرهنگسرای میردشتی.

ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۵). *زبان دین و قرآن*، چاپ دوم، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳). *تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۱). *مظاهر خیر و شر در نگارگری عهد تیموریان و صفویان*، دانشگاه الزهراء(س).

عباسی، علی، پیروای ونک، مرضیه و نیکو نژاد، محبوبه (۱۳۹۲). چند سویگی معنایی آتش در معراج نامه تیموری، *جلوه هنر*، دوره ۵، شماره ۱۰، ۴۵-۶۰.

غلامی نور آباد، هادی (۱۳۹۳). *مضمون خیر و شر در مفرغ های لرستان با رویکرد نشانه شناسی فرهنگی*، دانشگاه هنر تهران.

گنجی، محمد حسین (۱۳۸۶). *کلیات فلسفه*، چاپ دوم، تهران: سمت.

لک، ترانه (۱۳۸۸). *بررسی ابعاد ارتباط تصویری در مضمون خیر و شر هنر نگارگری (دوره تیموری)*، دانشگاه الزهراء(س).

لوشر، ماکس (۱۹۷۰). *روانشناسی رنگ ها*، ترجمه لیلیا مهرداد پی، ۱۳۸۸، چاپ شانزدهم، تهران: حسام.

محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۲). *خیر و برکت از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه جواد محدثی، ۱۳۸۷، چاپ چهارم، قم: دارالحدیث.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۷). *مثنوی معنوی*، تصحیح نیکلسون، چاپ یازدهم، قم: نگاه آشنا.

نصر، سید حسین (۱۳۴۵). *سه حکیم مسلمان*، ترجمه احمد آرام، ۱۳۸۶، تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.

نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم ابن منصور ابن خلف (۱۳۹۱). *قصص الانبیاء*، تهران: بوتیمار.

ولیان، شیوا (۱۳۸۸). *تقابل خیر و شر در نگارگری قرن ۸ هجری قمری*، دانشگاه هنر اصفهان.

یزدان خواه، نسیم (۱۳۹۱). *ریشه یابی مظاهر خیر و شر و تجلی آن در نقوش تزئینی مکتب تبریز (با تأکید بر نگارگری شاهنامه تهماسبی)*، دانشکده هنر و معماری.

References

- Quran*, (2005). N. Makarem Shirazi, Tehran: Osweh (Text in Persian).
- Abbasi, A., Peravi Vanak, M., Nekoo Nejad, M. (2013). Semantic Functions of Fire in Timurid "Book of Ascension" (Mirajnama), *JELVE - Y-HONAR*, Vol: 5, No:10. pp: 45-60 (Text in Persian).
- Ain, M. (2010). *A Study on Good and Evil in Traditional Iranian Painting (A case Study of Shahnameh Manuscripts)*, Tarbiat Modares.
- Ganji, M. H. (2007). *Philosophy an Introduction* (2nd ed.), Tehran: Samt (Text in Persian).
- Gholami Noorabadi, H. (2014). *Concept of Good and Evil in Lorestan Bronzes Based on a Cultural Semiotics Approach*, Tehran Art University (Text in Persian).

- Methodology*, (1st ed.), Tehran: Islamic Research Institute for Culture and Thought (Text in Persian).
- Sajedi, A. (2006). *The Language of Religion and Quran*, (2nd ed.). Tehran: Imam Khomeini Institute of Education and Research (Text in Persian).
- Shin Dashtgol, H. (2002). *Symbols of Good and Evil in Timurid and Safavid Era Miniature*, Alzahra University (Text in Persian).
- Vahed Doust, M. (2005). Symbolism of Fire and It's Reflection in Mythological and Epic Iranian Texts, *Social Sciences and Humanities of Shiraz University*, Vol: 22, No: 42, pp: 175-186 (Text in Persian).
- Valian, Sh. (2009). *The Confrontation of Good and Evil in 8th A.H.*, Isfahan University of Art (Text in Persian).
- Yazdankhah, N. (2012). *Finding the Roots of Good and Evil Symbols and Their Manifestation in Decorative Motifs of Tabriz School (Based on Tahmasbi Shahnameh Miniatures)*, Art and Architecture Faculty (Text in Persian).
- Zakariaiee, A. (2006). *A study on Motifs of Demon and Angel as the Symbols of Good and Evil in Iranian Myth (Ancient Time till the End of Qajar Era)*, Alzahra University (text in Persian).
- <https://article.tebyan.net> 2018/5/22
<https://shahzade-sasani.persianblog.ir> 2018/5/22
- Jamshidifar, A. (2003). *Multiple Visual Approaches to a Religious Story (Joseph and Zuleika)*, Tehran University.
- Jokar, N. (2011). A New Understanding of Masoud Ba Bokharaiey based on his Poems and Literary Works, *Boostan Adab*, Vol: 3, No:4., pp: 21-44 (Text in Persian).
- Khatibi, A. (2012). *Sociological Concepts in The First Five Sura of Quran*, (1st ed.), Hamedan: Buoli (Text in Persian).
- Khorram Shahi, B. (1998). *Encyclopedia of the Qoran and Quranic Studies* (Vol. II), (1st ed.), Tehran: Doostan & Nahid (Text in Persian).
- Lak, T. (2009). *A Study on Dimensions of Visual Communication in the Concept of Good and Evil in Miniature (Timurid Era)*, Alzahra University (Text in Persian).
- Luscher, M. (1970). *Psychologi de Farben – The Luscher Colour Test*, L. Mehrad Pey, 2009, (16th ed.), Tehran: Hesam (Text in Persian).
- Mohammadi Rey Shahri, M. (2008). *Good and Blessing from the Perspective of Quran and Hadith*, J. Mohaddesi, 2008, (4th ed.), Qom: Darolhadith (Text in Persian).
- Nasr, S. H. (2007). *Three Muslim Sages*, A. Aram . (1st ed.), Tehran: Pocket Books Stock Company (Text in Persian).
- Neyshaburi, A. (2012). *Qisas Al-Anbiya*, Tehran: Boutimar (Text in Persian).
- Oshidari, J. (1992). *An Encyclopedia of Zoroastrianism*, Tehran: Markaz (Text in Persian).
- Papoli Yazdi, M. (2007). *Hamd, Sana and God's Name in Shahnameh of Hakim Abu 'l-Qasim Firdowsi Ferdowsi*, Tehran: Papoli (Text in Persian).
- Pakbaz, R. (2009). *Encyclopedia of Art*, Tehran: Farhang Moaser (Text in Persian).
- Pordel, A. (2008). *Finding the Roots of Good vs. Evil in Ancient Iran and their Manifestation in Pre-Islamic Art Works (Based on Reliefs)*, Tarbiat Modres (Text in Persian).
- Rashed Mohassel, M. (2010). *Shahnameh: Manifestation of National Spirit*, Mashhad: Astan Quds Razavi (Text in Persian).
- Rezaeinabard, A. (2018). *Immortal Negar: Life and Works of Master Mahmoud Farshchian*, Tehran: Farhangsaray-e-Mir Dashti (Text in Persian).
- Rumi, J. (2015). *Masnavi*, corrected by Nicholson , (11th ed.), Qom: Negah Ashna (Text in Persian).
- Saeidi Roshan, M. B. (2003). *Analyzing the Language of Qur'an and Its Comprehension*

